

سرگذشت غم انگیز قوای هوای کشور

استاد (صباح)

تلاش برای ایجاد فضای همبستگی و اتحاد ملی در جامعه یکی از نشانه های مهم میهن دوستان است. آنانکه دوستدار وطن است هیچ وقت سراغ تفرقه افکنی و ایجاد زمینه های درگیری در کشور نمی رود و آرامش و آسایش جامعه را با آشوب های گوناگون متزلزل نمی سازد.



در کشور دیگر باغی آشنا گریست
رفت و چون مرغی رها گریست
اما کسی نگفت چرا بینوا گریست
کشتی صبر ما از ستم ناخدا گریست
اما ز داغ ما دلشان تا خدا گریست
امروز دوباره دلم بی صدا گریست!

باز دل غم دیده ام بی صدا گریست
تا که کشان غرقه شدن در خیال تو
یک عمر شکستم و با درد ساختم
ماندم میان موج غریبی ز اشک و آه
امشب ستاره ها پی دلداری آمدند
باز به داد دلم برسی ای کاش

اتحاد جماهیر شوروی سابق در دهه ۱۹۸۰ نیروی هوایی بسیار بزرگ و قدرتمندی را برای حکومت افغانستان تدارک دید. تا پیش از سقوط این حکومت ، نیروی هوایی هزاران پرسونل مسلکی و تعلیم و تربیه دیده ، حدود سه صد و پنجاه بال طیارات جنگی شامل جنگنده رهگیر میگ-۲۱ و جنگنده بمب افکن سوخو-۷ و سوخو-۱۷ ، هلوکوپتر تهاجمی و چند منظوره و طیاره های ترانسپورتهی نظامی از انواع مختلف در اختیار داشت. جنگ داخلی و تسلط بنیادگرایان تنظیمی باعث کاهش شدید توان نیروی هوایی شد . در آنوقت منسوبین قوای هوایی با داشتن احضارات عالی محاربوی در پهلو و وظایف محاربوی، انتقالی و حمایه

قطعات زمینی وظیفه خویش میدانستند تادر حالات اضطراری و بروز حوادث طبیعی و غیر طبیعی نیز آماده

کمک رسانی به مردم ومحلات آسیب دیده بودند.

قوای هوایی ومدافعه هوایی در سال ۱۳۶۸ (۱۹۹۰) در حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان .

پرسونل وتخنیک:

تعداد پرسونل ۳۰۰۰۰ نفر

تعداد طیارات و هلیکوپتر ها ۶۱۴ بال

تعداد پیلوتان فعال ۸۰۰ نفر

قوای هوایی و مدافعه هوایی از قواهای ذیل تشکیل شده بود.

قوای هوایی

قوای راکت و دافع هوا

قوای رادار

ریاست لوژستیک

غند میک ۲۱ شکاری در بگرام تعداد طیارات ۵۰ بال

غند سو ۲۲ بمبارد شکاری در بگرام تعداد طیارات ۵۰ بال

غند میک ۲۱ شکاری در قندهار تعداد طیارات ۴۵ بال

کندک مستقل هلیکوپتر در قندهار تعداد طیارات ۲۵ بال

غند سو ۲۲ بمبارد شکاری در شنند تعداد طیارات ۴۵ بال

غند هلیکوپتر در سنند تعداد طیارات ۶۰ بال

غند هلیکوپتر در مزار تعداد طیارات ۶۰ بال

غند تعلیمی در مزار تعداد طیارات-L ۳۹ تعداد طیارات ۴۰ بال و میک ۲۱ تعداد طیارات ۲۶ بال

غند هلیکوپتر در کابل تعداد طیارات ۷۰ بال

غند AN-32 در کابل تعداد طیارات ۷۰ بال

کندک AN-12 در کابل تعداد طیارات ۱۶ بال

کندن AN-26 در کابل تعداد طیارات ۲۲ بال

کندک MI-35 در کابل ۳۵ بال

فابریکه ترمیم میک ۲۱ AN-32-26-12 و MI-17-35 که فابریکه مذکور بیسار مجهز بود تعداد پرسونل شان به

۳۰۰۰ نفر میرسید.

قوای راکت و دافع هوا : راکت های مجهز داشت که هدف را در ۲۵ کیلو متر و تا به ارتفاع ۱۷ کیلو متر از بین میبرد

و همچنین توپ های ۱۰۰ ملی متری ۸۵ ملی متری ۳۵ ملی متری و ۴ میله داشت و تمام کشور را در تحت پوشش گرفته

بود.

قوای رادار : افغانستان را در تحت پوشش داشت و هدف را در خاک کشور های همسایه تا ۵۰ کیلو متر تعقیب و مجهز به رادار P-35 P-37 P-18 P-12 مجهز بود.

ریاست لوژستیک: تمام اکمالات زمینی و هوایی به دوش لوژستیک بود
ریاست لوژستیک برای ۵ سال تمام اکمالات زمینی و هوایی را ذخایر خود داشت.

پوهنتون هوایی و مدافع هوایی:

از پوهنحی های ذیل تشکیل شده بود

پوهنحی هوایی

پوهنحی راکت و توپچی دافع هوا

پوهنحی رادار و مخابره

پوهنحی لوژستیک و نقلیه خصوصی

افغانستان قویترین قوای هوایی و مدافعه هوایی و سیستم دفاعی داشت. ولی از برکت جهاد وطن ، انسان و همت بود کشور نابود شد...

نیروی هوایی کشور سال ۱۹۲۴ در دوران حکومت امان الله شاه تاسیس شد. در دهه ۱۹۷۰ در دوران حکومت ظاهر شاه نوسازی شده و توسعه داده شد. در دهه ۱۹۶۰ نیروی هوایی افغانستان حدود ۱۰۰ طیاره شامل جنگنده سبک مادون صوت میگ-۱۵، بمب افکن سبک ایلوشین-۲۸ و تعداد کمی هلوپتر در اختیار داشت.

نخستین پرواز هواپیما در آسمان افغانستان دو فروند هواپیمای جنگی انگلیسی بود که در سال ۱۹۱۹/۵/۲۶ میلادی رخ داد. این هواپیماها به قصد بمباران شهر کابل وارد فضای افغانستان گردیدند. پس از آنکه شاه امان الله در سال ۱۹۱۹ استقلال افغانستان را به دست می آورد، در صدد ایجاد نیروی هوایی در کشور اش می شود. در سال ۱۹۲۱ سه تن از افسران افغانستان غرض کسب آموزش در بخش های هوایی به کشور ایتالیا فرستاده شدند.

شاه امان الله در سال ۱۹۲۱ دو فروند هواپیما نوع Airco DH ۹ A را از انگلیس و یک فروند را از کشور اتحاد جماهیر شوروی خریداری نمود. در ۲۳ اگست ۱۹۲۴ میلادی (۱۳۰۳ خورشیدی) نیروی هوایی افغانستان رسماً تشکیل گردید. در سال ۱۹۳۹ مکتب هوایی تاسیس گردید. مکتب مذکور چندین دوره فارغ التحصیلان در بخش هوایی داده است. این مکتب در سال ۱۳۵۶ به پوهنتون هوایی تبدیل شد. که دارای ۴ پوهنحی هوایی بود. نیروی های نظامی و به خصوص هوایی در زمان سردار محمد داوود خان (۱۳۵۲-۱۳۵۷ خورشیدی) توسعه داده شد.

نیروی هوایی افغانستان در زمان ریاست جمهوری داوود خان، تحولات چشمگیری را تجربه کرد. پس از سال ۱۳۵۷ در افغانستان در شهر های مزار شریف، قندهار، هرات، جلال آباد، بدخشان و کابل پرواز های نظامی و ملکی صورت می گرفت. افغانستان تا پیش از سقوط دولت داکتر نجیب نزدیک به صدها طیاره بال طیاره داشت اما در جریان حاکمیت تنظیم های چپاولگرو سال ها جنگ داخلی ، تقریباً تمامی آن ها یا به دلایل عدم رسیدگی فنی و یا در کشاکش جنگ داخلی از بین رفت. در گذشته جنگنده های میگ-۱۷ و میگ-۲۱، جنگنده بمب افکن سوخو-۷ بی، سوخو-۱۷ (مدل سوخو-۲۲)، هواپیمای تهاجمی سوخو-۲۵ و بمب افکن سبک ایلوشین-۲۸، طیاره حمل و نقل متوسط آنتونوف-۱۲، آنتونوف-۲۴ (آنتونوف-۲۶، ۲۸، ۳۰ و ۳۲) حمل و نقل سبک آنتونوف-۲ و آنتونوف-۱۴، جت های آموزشی ال-۳۹ آلباتروس، میگ-

۱۵ یوتی‌آی و میگ-۲۱، راکت های دفاع هوایی سام-۲ و سام-۳ و توپ‌های ضدهوایی ۸۵ میلی‌متری کاس-۱۲، ۱۰۰ مم کاس-۱۹ و ۳۷ مم ام ۱۹۳۹ نیز در اختیار نیروی هوایی قرار داشت. در سال ۲۰۱۲ نیروی هوایی افغانستان این طیاره ها را در اختیار دارد. ایالات متحده آمریکا ۲۰ هواپیمای تهاجمی لایت ایرسپورت (پشتیبانی هوایی سبک) ایالات متحده آمریکا ۶ فروند هواپیمای ترانسپورتنی نظامی سبک و آموزش ابتدایی سسنا ۲۰۸ ایالات متحده آمریکا ۶ فروند هواپیمای آموزشی سسنا ۱۸۲ ایالات متحده آمریکا ۶ هلیکوپتر سبک چند منظوره ام‌دی-۵۰۰ (مدل ام-۵۳۰اف) روسیه ۷ فروند هلیکوپتر جنگنده می-۲۴ (مدل‌های می-۲۵ و می-۳۵) روسیه ۳۴ فروند هلیکوپتر چند منظوره می-۸ (مدل می-۱۷) جمهوری چک ۲ جت آموزشی و تهاجمی سبک آلباتروس-۳۹ درگذشته جنگنده‌های میگ-۱۷ و میگ-۲۱، جنگنده بمب افکن سوخو-۷، سوخو-۱۷ (مدل سوخو-۲۲)، هواپیمای تهاجمی سوخو-۲۵ و بمب افکن سبک ایلوشین-۲۸، هواپیمای حمل و نقل متوسط آنتونوف-۱۲، آنتونوف-۲۴ (آنتونوف-۲۶، ۲۸، ۳۰ و ۳۲)، هواپیمای حمل و نقل سبک آنتونوف-۲ و آنتونوف-۱۴، جت‌های آموزشی ال-۳۹ آلباتروس، میگ-۱۵ یوتی‌آی و میگ-۲۱، موشک‌های دفاع هوایی سام-۲ و سام-۳ و توپ‌های ضدهوایی ۸۵ میلی‌متری کاس-۱۲، ۱۰۰ مم کاس-۱۹ و ۳۷ مم ام ۱۹۳۹ نیز در اختیار نیروی هوایی قرار داشت.

افغانستان هم‌اکنون سه فرودگاه (یا میدان هوایی) بین‌المللی دارد: میدان هوایی بین‌المللی کابل، که در پایتخت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، میدان هوایی بین‌المللی قندهار، که در جنوب افغانستان مورد استفاده قرار می‌گیرد و میدان هوایی بین‌المللی هرات، که به تازگی بین‌المللی شده و در غرب این کشور مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. سه میدان هوایی بزرگ دیگر با روپوش آسفالت برای پروازهای داخلی (ملکی) بین شهرهای بزرگ مورد استفاده قرار می‌گیرند. بر علاوه ۱۶ میدان هوایی کوچک محلی برای پروازهای داخلی بین مناطق دورافتاده و کوچک در سراسر کشور وجود دارند. این میدان‌های هوایی کوچک روپوش سنگریز دارند و تحت قوانین پرواز بصری بدون استفاده از دستگاه‌های پیشرفته هوانوردی همچون دستگاه خود کار فرود (ILS) فعالیت می‌کنند. فرودگاه‌های اصلی وطن عبارتند از:

میدان هوایی بین‌المللی

میدان هوایی بین‌المللی کابل

میدان هوایی بین‌المللی هرات

میدان هوایی بین‌المللی قندهار

میدان‌های داخلی بزرگ

میدان هوایی جلال‌آباد

میدان هوایی قندوز

میدان هوایی مزار شریف

پایگاه‌های هوایی نظامی

پایگاه هوایی بگرام: بزرگترین پایگاه هوایی نظامی که در نزدیکی شهر باستانی بگرام در ولایت پروان واقع است. پایگاه هوایی شیندند: در ولایت هرات واقع است. نیروهای هوایی، در سال ۲۰۰۸ میلادی، ۶۰۰ پیلوت در نیروی هوایی مشغول به کار بوده‌اند.

طیاره و هلیکوپترهای کشور که به پاکستان برده اند:

تورن جمال الدین رباینده جیت (می - هشت) از میدان کندهار
تورن محمد نبی رباینده طیاره (سو - هفت) از میدان کندهار
جگرن فقیرمحمد رباینده طیاره (ان - بیست شش) از میدان کابل
تورن محمدحسین رباینده جیت (ام - بیست پنج) از میدان خوست
محمد داوود رباینده طیاره (میگ بیست یک) از میدان بگرام
عبدالمالک رباینده طیاره (ان - بیست شش) از میدان بگرام
تورن اسدالله رباینده طیاره (میگ بیست یک) از میدان بگرام
تورن سخی الله رباینده طیاره (می - سی پنج) از میدان کندهار
تورن محمد حاد رباینده طیاره (می - بیست پنج) از میدان کندهار
تورن جان محمد رباینده طیاره (سو - بیست دو) از میدان بگرام
جلال الدین رباینده طیاره (میگ بیست یک) از میدان بگرام

هواپیمای ترانسپورتی (می - هفده) که حامل برید جنرال غلام رسول قوماندان گارنیزویون شیندند و جنرال شهناز تنی وزیر دفاع وقت بود از میدان هوایی شیندند پرواز و درهماًنگی با نیازمحمد مهند عضو بیروی سیاسی، به پاکستان انتقال داده شد. جگرن گلاب الدین پیلوت، بریدجنرال خواجه محمد شفیع کشاف و دگروال سیف الدین اعضای بورد تخنیک همراه با دگر جنرال عبدالقادر قوماندان عمومی قوای هوایی و مدافعه هوایی، برید جنرال میرحمزه و چند تن دیگر از کودتاچیان همزمان با طیاره حامل شهناز تنی به تاریخ هفده حوت سال شصت و هشت خورشیدی - با طیاره حامل شان (ان - دوازده) به میدان هوایی اسلام آباد نشست کردند. افراد متذکره به استقبال گرم (آی اس آی) مواجه شدند! اینها قبل از قبل توسط (آی اس آی) استخدام شده بوده و طیاره های قوای هوایی کشور را به (آی اس آی) تحفه دادند، درحالیکه در تعلیمات نظامی خوانده اند که اسلحه دولت ناموس دولت و ملت میباشند.

رسانه های گروهی آمریکا خود اعتراف می کنند که روی کار آمدن دولت جهادی و طالبی در افغانستان ناشی از کمک های پنهانی است که ایالات متحده به گروه های بنیادگرا کرده است. آمریکا و پاکستان بین سال های 82 تا 35 92 هزار بنیادگرای انتگریست را از چهل کشور اسلامی به خدمت گرفتند. دهها هزار نفر برای تحصیل در مدارس مذهبی به پاکستان سرازیر شدند. صاحب نظران معتقدند بیش از صد هزار تن از این مسلمانان تندرو در جنگ افغانستان شرکت کردند. در سال 1985 ریگن رییس جمهور وقت آمریکا دستور العمل امنیت ملی شماره 166 را امضا کرد. براساس این دستور العمل باید کمک نظامی را به بنیادگرایان هرچه بیشتر تقویت نمود تا به از همپاشی قوای شوروی و خروج آنان از افغانستان منجر شود. کمک های نظامی به شدت افزایش یافت، به طوری که در سال 1987 سلاح های تحویلی به

بنیادگرایان به هفتاد هزار تن رسید. در طی این مدت سیل متخصصان سیا و پنتاگون به طور پنهانی و بی وقفه راهی ستاد فرماندهی سازمان اطلاعات پاکستان - ای.اس.ای- واقع در شاهراه اصلی روالپندی شد.

در همین محل کارشناسان سیا و پنتاگون برای سازمان دادن جنگ شورشیان بر علیه قوای شوروی با ماموران اطلاعاتی پاکستان دیدار می کردند. سازمان سیا از طریق سرویس اطلاعاتی پاکستان نقش کلیدی در تربیت نظامی بنیادگرایان داشت. مدارسی که توسط بنیادگرایان و هابی و پشتیبانی مالی عربستان تشکیل شده بودند تدریجاً تدریس تکنیک های جنگ های چریکی سازمان سیا را در تعالیم خود گنجانند.

ایالات متحده آمریکا از دیکتاتور پاکستان جنرال ضیالاحق در تاسیس هزاران مدرسه علمیه در پاکستان پشتیبانی کرد، مدارسی که از آنان "طالبان" سر بر آوردند. در این گیرودار سازمان اطلاعات پاکستان ای.اس.ای به يك سازمان موازی پر قدرت تبدیل شد که در تمام عرصه های حکومتی حضور داشت. پرسونل ای.اس.ای که متشکل از افسران نظامی، ماموران اطلاعاتی و اداری بودند به حدود یکصد و پنجاه هزار نفر رسید. پس از برکناری بوتو و به قدرت رسیدن ضیالاحق مناسبات ای.اس.ای و سازمان سیای آمریکا به طرز محسوسی گرم تر شد. ضمن این که عملیات سیا موجب شد رژیم نظامی ضیالاحق روز به روز قدرتمند تر شود. در جریان جنگ داخلی در افغانستان رژیم پاکستان حتی بیش از ایالات متحده مواضع ضد شوروی می گرفت. افغانستان کشوری با مختصات اقلیمی خاص که ناتو زمانی قصد داشت برای جنگ با ارتش سرخ یا همان ارتش شوروی سابق در اینجا حضور پیدا کند.

مجاهدین وابسته به گروه های جهادی از پنجشیر و جبل السراج، چهار آسیاب، سروبی و میدان شهر به کابل ریختند، و متأسفانه از صبحدم هشتم ثور تا شامگاه آنروز ادارات دولتی، قطعات نظامی، بانکها، پوهنتونها و مکاتب شاهد بزرگترین تاراج و غارت بی نظیر در یک صد سال گذشته بود. در فردای هشتم ثور جنگ میان احزاب جهادی ابتدا در شرق کابل آغاز گردید و کمی بعدتر به غرب و جنوب کابل سرایت نمود، و پس از آن کابل در طول چهار سال حضور مجاهدین شاهد جنگ و ویرانی گردید که دیگر هیچگاه فرصت جبران آن خسارتها پیدا نشد. و تمام داروندار اردو کشور به تاراج برده شد. در کشور ما سه و نیم دهه - جنگ، آدم کشی، بی قانونی، وحشت و بربریت ادامه پید کرد. هزاران انسان قربانی هوس و آرزوهای تعدادی افراد قاتل و تفنگ بدست گردیدند. دشمنان سعادت و آزادی وطن ما در تباری با باداران خونخوار بین المللی، دشمنان منطقوی افغانستان و شیخ های عیاش و معامله گر عربی دست به اعمال ناروای زده و آب به آسیاب دشمنان مردم و وطن ریختند. و در واقعیت امر با دریافت اسلحه و پول از کشورهای متعدد عملاً به آتش جنگ پترول پاشیدند. پس از هشت ثور (سیزده هفتاد و یک) که قدرت دولتی به دسته های به اصطلاح مجاهدین منتقل گردید، در نتیجه مبارزه دسته های مسلح برای تصرف قدرت دولتی، دولت مرکزی عملاً از بین رفت و به چندین مرکز قدرت (کابل، قندهار، شمال، هرات، جلال آباد، بامیان) و شهر کابل به بیش از ده ها حاکمیت تبدیل شد. زیربنای مادی و معنوی نابود گردید و تقریباً هشتاد در صد بناهای شهر کابل بخاک یکسان شد. در حالیکه ده ها هزار انسان بیگناه بقتل رسیدند، موج تازه مهاجرت تحصیل یافته ها و کار آزموده های کشور و ملیون ها نفر دیگر به خارج آغاز گردید.

این موج خیلی سهمگین کوچ دسته جمعی که تقریباً یک دهه ادامه یافت کشور را عملاً از وجود افراد مجرب و کار آزموده خالی نمود. با تصرف کابل شقاق و نفاق و چند دستگی بین تنظیمها نمایان و مردم ستم دیده پریشان و کشور به ویرانه مبدل گردید. دوره زمامداری ربانی را اولاً به ۴۵ روز و سپس تا زمان دایر شدن لویه جرگه تمدید نمود. بعداً با

دایر نمودن شورای حل و عقد در ۳۰ دسامبر ۱۹۹۲ که ربانی یگانه کاندید در ریاست دولت باقی ماند، بحیث رییس دولت برگزیده شد. درین شورا نمایندگان حکمتیار، حزب اسلامی خالص، محاذ ملی برهبری پیر گیلانی، جنبش و حزب وحدت نه تنها شرکت نداشتند بلکه عملاً جناح ربانی با شرکت ندادن آنان در دولت زمینه ساز جنگ های بعدی نیز گردید. قبل از تدویر شورا، جناح مخالف تهدید نموده بودند که در صورت دائر شدن این شورا و انتخاب ربانی بحیث رئیس دولت، جنگ ادامه پیدا مینماید. متعاقباً حکمتیار، خالص، مجددی و گیلانی شدیداً شیوه انتخاب ربانی را درین مقام مورد اعتراض قرار داده متذکر شدند که ربانی در انتخاب خویش در مقام ریاست دولت جهل کاری و حق تلفی نموده و این عملکرد وی جنگ ها را در کشور تشدید می نماید. به این ترتیب ربانی دوره ریاست چهار ماهه خویش را تا زمانی دوام داد که توسط قوای طالبان از کابل مجبور به فرار گردید. زمامداری وی مجموعاً سه و نیم سال یعنی تا دسمبر ۱۹۹۶ دوام نمود. طی این مدت فشار رهبران، نارضایتی مردم و تقاضاهای مکرر سازمان ملل متحد در متقاعد ساختن ربانی برای انتقال قدرت به نمایندگان واقعی ملت به اساس پلان های مطروحه عاجز ماند و با هر طرح ارایه شده از جانب نمایندگان سرمنشی ملل متحد، برعکس گروپ کرسی نشینان کابل جنگ تازه ای را سازمان میدادند. تا زمان سقوط اداره ربانی در کابل تنظیم ها و احزاب سیاسی در حاشیه قرار گرفتند و آخرین روزهای زمامداری، صرف حکمتیار بعد از جنگ های شدید با قوای جمعیت و شورای نظار، بعد از حصول کرسی صدارت موقتاً تطمیع گردید. ربانی مخصوصاً محکوم به این بود که با روحیه قومی و منطقوی عمل نموده و نمیخواهد حاکمیت را از دست بدهد، وی بااساس قراردادها و تعهدات، منافع ایران، تاجکستان و روسیه را تأمین می نماید.

از جانب دیگر با چاپ بانکنوت های پنج هزاری و ده هزار افغانیگی در مسکو عملاً خرید و فروشی اراضی، قوماندانان و جنگجویان رواج پیدا نمود و از جانب دیگر سر ازیر شدن سلاح و مهمات از روسیه، ایران و تاجیکستان (اسارت اتباع روسی با یک بال طیاره انتتوف و ده ها تن سلاح و مهمات در قندهار، توزیع سلاح بدون قنطاق و دارای شیب مخصوص ساخت ایران و اکملات بدون وقفه از میدان هوایی کولاب در تاجیکستان) عملاً جنگ را شدت بخشید. در دوره زمامداری ربانی وضع کابل و ولایات خیلی وخیم و کشور به چندین مرکز قدرت تقسیم گردیده بود. چور و چپاول، دزدی و رهنی، راه گیری و وند بازی، قتل و قتال، وحشت و بربریت، ظلم و ستم، بستن و بردن، بگیری و بزن، فیر راکت سکر و کلستر، توپ و تانک، رقص مرده و خنده زنده، تیزاب پاشی و میخ کوبی، بریدن شرم جاهای انسانها و ولادت نمودن زنان در پوسته های امنیتی . . . جزئی مصروفیت روزانه نیروهای امنیتی گردیده بود.

در ماه مارچ ۱۹۹۳ رهبران تنظیم ها راهی مدنیه منوره شده و باحضور داشت پادشاه عربستان سعودی و نواز شریف صدراعظم پاکستان تعهد سپردند و قسم خوردند که دست از جنگ کشیده و در تقسیم قدرت به همه جوانب درگیر اقدام نمایند اما بمجرد مواصلت، جنگ و کشتار جدیدی آغاز گردید. درین مذاکرات فیصله گردید بود: ربانی در تحویلی قدرت تا هژده ماه اقدام نموده، اسلحه از مردم جمع آوری و هکذا ملکیت ها و دارائی های تاراج شده دوباره به مالکین آن مسترد گردد و حکمتیار بحیث صدراعظم منسوب شود. مولوی خالص از امضای این معاهده امتناع ورزید و مجددی در پایان معاهده نوشت که با ملاحظات امضاء شد. اما در ترکیب کابینه بین رهبران تنظیم ها، بعد از مناقشات زیاد در جلال آباد توافق به میان نیامد و یکبار دیگر حملات راکتی بالای شهر کابل شدت بی سابقه کسب نمود.

طی سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۶ تفنگداران قدرت پرست که در داخل شهر کابل سنگر گرفته بودند مرتکب ویرانی شهر کابل و کشتار بیش از هفتاد هزار نفر مردم غیر نظامی و بالنتیجه مسبب اصلی جنایت علیه بشریت شده اند. بنیادگرایان جنگ سالار طی سالهای نخستین زمامداری خویش جنگ را تا سطح کوچه های کابل، در جمال مینه و چنداول و منطقه افشار و دیگر نقاط شهر گسترش دادند، و در این فاجعه بیش از چهار هزار انسان بی گناه (از ملیت مصیبت دیده هزاره) را در کابل بوسیله توپ و تانک و بمباردمان بی امان قتل عام کردند که این شهکاری آنان به (فاجعه افشار) مسما گردید. این جنایت جنگی یکی از شواهد انکار ناپذیری است که مردم کابل آنرا فراموش نخواهند کرد. کشتار مردم هزاره و شیعه ی منطقه افشار (در بیست و دو دلو) لکه ننگی است که تا همیشه بر دامن تفنگداران فاتحه کابل باقی می ماند.

تفنگداران با فروش آثار ارزشمند تاریخی و تخریب آنچه که قابل انتقال نبودند، آغاز کردند، با چور و چپاول دارائی های عامه، از جمله اموال شخصی خانه های مردم تانابع ذ خیروی وزارتخانه ها، ادارات دولتی، موسسات ملکی و نظامی و حتا حمله و غصب کردن و دست درازی به مواد امدادی که برای خانواده های مستحق و مردمان تهی دست مد نظر گرفته شده بود و بالاخره غصب خانه ها و زمینهای تا امروز ادامه داده می شود. اینها با قاچاق لاجورد و زمرد به سرمایه هنگفت دست یافتند.

اکنون از یکطرف با سو استفاده از شرایط جنگ و دشواری های جاری مملکت و از سوی دیگر با استناد بر اینکه در افغانستان هنوز نیز دولت مرکزی و مسلط بر اوضاع سراسری وجود ندارد، آنها باز هم به همان اشتباه سابقه دارایی عامه را مانند گذشته حیف و میل نموده و به حسابهای جاری و پس انداز در بانکهای شرق و غرب افزودند. واضح است چه در همان بحبوحه جنگ و بحران سیاسی و نظامی حاکم بر افغانستان و چه در آستانه خروج قوای نظامی شوروی از افغانستان و حتا بعد از آن چندین بار موضوع فروش و قاچاق سنگهای قیمتی بار بار توسط مطبوعات جهان بشکل علنی مطرح شد اما سودی نبخشید و غبار مسلط جنگ و ناآرامی های کشور باعث میشد که کسی نتواند این موضوع مهم را پیگیری کند.

قوای هوایی دربخش پیلوتان آموزش یافته و سایر پرسونل خدماتی کمبودی های زیاد دارد و خیلی بعید به نظر می رسد که در جریان دو، سه سال آینده این کمبودی ها از بین برده شود. در سیزده سال گذشته نیروهای مقدم زمینی جنگ با شورشیان را تعدادی زیاد طیارات جت، هلیکوپتر، طیارات بی پیلوت و ترانسپورتهای امریکایی حمایت کرده است، اما اینک که تا پایان سال جاری میلادی بخش اعظم عسکر نیروهای بین المللی از افغانستان خارج می شوند و حمایت هوایی آن ها هم کاهش خواهد یافت، قوای هوایی ضعیف افغانستان باید خود این مسوولیت مهم را پیش ببرد. مقامات امریکایی می گویند، در این جای تردید وجود ندارد که بعد از سال دوهزارپانزده میلادی هلیکوپتر های آپاچی و طیارات جت امریکایی حملات زیاد را انجام نخواهند داد و شرایط برای اجرای عملیات های هوایی سخت خواهد شد. تعداد سی دوهزار عسکر امریکایی درسال دوهزارپانزده میلادی به نوهزار و هشتصد تن کاهش می یابد و بخش اعظم آن ها در دو پایگاه بزرگ نظامی یعنی درکندهار و بگرام مستقر خواهند بود. چون نیروهای زمینی خط مقدم کمتر می شوند، با آن حمایت هوایی نیز کمتر خواهد شد.

درحالیکه نیروهای پولیس و اردوی در جنگ ها سهم داشته اند، اما قوای هوایی کشور خیلی ضعیف است. زمانیکه بالای نیروهای پولیس و اردو حمله صورت می گیرد و یا با کمین مواجه می شوند، آن ها تا حد زیاد بر حمایت هوایی طیارات

امریکایی اتکا می کنند. موسسه تحقیقاتی (CNA) می گوید، افغانستان به حمایت زیاد هوایی نیاز دارد و برای تقویت نیروهای هوایی این کشور خیلی بیشتر از آنچه که پلان شده، نیاز است، اما این کشور ظرفیت جذب مساعدت های بیشتر از آنچه را که برای تقویت نیروهای پلان کرده است، ندارد. به گفته موسسه تحقیقاتی (CNA) قوای هوایی براساس پلان تعیین شده، در زمینه یافتن پرسونل مسلکی مشکلات دارد و در صورت شمولیت افراد جدید، آموزش کامل آن ها تا سال دوهزار هجده میلادی وقت را خواهد گرفت.

افغانستان یک کشور کوهستانیست و شورشیان اکثر راه های مواصلاتی آن را مابین گذاری کرده اند که قوای هوایی برای این کشور خیلی مهم است. افغانستان از مدت ها به اینسو از نیروهای بین المللی خواستار طیارات پیشرفته شده است و تا اکنون هشتاد هشت طیاره دارد که طیارات ترانسپورتی، اکتشافی و طیارات مختلف دیگر شامل آن می شود. براساس گزارش دفتر سر مفتش ایالات متحده امریکا، افغانستان نو طیاره هلیکوپتر-Mi هفده دارد. افغانستان آرزومند است تا نیروهای هوایش را با طیارات (E-29) تجهیز کند که واشنگتن آن را خریداری خواهد کرد. گرچه این طیارات ضعیف تر از طیارات جت اند، اما مقامات می گویند که با اراضی افغانستان مناسب بوده، می توانند بطور موثر از طریق هوا بر مواضع شورشیان حمله کنند، ولی خریداری این طیارات هم به خاطر منازعه حقوقی بین شرکت های امریکایی و برازیلی با تاخیر مواجه شده است. براساس احصاییه نیروهای هوایی ایالات متحده، در سال گذشته طیارات امریکایی نزدیک به بیست و دوهزار مأموریت هوایی را انجام دادند، درحالیکه تعداد این مأموریت ها در سال جاری میلادی تا اکنون بیش از شش هزار بوده است. در نشست اخیر شورای امنیت ملی به رهبری اشرف غنی، از امریکا و ناتو خواسته شده تا تلاش های شان را برای تقویت نیروهای هوایی افزایش دهند. شورای امنیت ملی میگوید- با توجه به توقعات مردم و دولت بعد از امضای قرارداد همکاری های دفاعی و امنیتی با امریکا و ناتو، از رهبری آیساف خواسته شد تا تلاش های شان را در راستای تقویت نیروهای امنیتی کشور، بهیژه قوای هوایی، افزایش دهند.

در حال حاضر مجموع نیروهای امنیتی کشور به بیش از سه صد هزار تن می رسند؛ اما آنان در بخش تجهیز و قوای هوایی با چالش های جدی مواجه اند. براساس گزارش های ارائه شده، در حال حاضر اردوی کشور دربرخی از موارد از هواپیماهای کوچک سی دوصد هشت استفاده می کند که گنجایش هشت نفر را دارد. این هواپیماها در اصل برای پروازهای آموزشی در فاصله های کوتاه ساخته شده اند؛ اما قوای هوایی به دلیل نبود هواپیماهای بزرگ، از سر ناچاری از این هواپیماها برای مأموریت طولانی استفاده می کند.

مردم و دولت انتظار دارند امریکا و ناتو اردو را با سلاح های سنگین و هواپیماهای جنگی تجهیز کنند؛ زیرا دولت جدید پیمان امنیتی با امریکا و ناتو را به امضا رسانده است. امضای پیمان امنیتی با امریکا و ناتو، شرط اساسی امریکا برای تجهیز نیروهای زمینی و هوایی کشور عنوان شده بود.

چند روز پس از امضای پیمان امنیتی با امریکا و ناتو، وزارت دفاع اعلام کرد که امریکا تا پایان سال روان شصت دو بال هلیکوپتر را به افغانستان کمک خواهد کرد. این وزارت این تعداد هلیکوپتر را ساخت امریکا خوانده و گفت که بر اساس امضای یک توافق نامه، قرار است امریکا تا پایان سال دوهزار شانزده هواپیماهای جنگی را نیز در اختیار ما قرار دهد. اما آگاهان نظامی باور دارند که با چند بال هلیکوپتر قوای هوایی کشور تقویت نمی شود و باید امریکا هواپیماهای شکاری، هجومی و کشفی را در اختیار اردو قرار دهد.

پس از خروج نیروهای نظامی ناتو با توجه به کمبود نیروی، اردو مجبور خواهد بود تنها با سلاح دست داشته و زره پوش با دشمنان مقابله کند. نیروهای امنیتی تنها در چند سال گذشته شکل گرفته و تا کنون شمار آن ها به سه پنجا دو هزار نفر رسیده است. با وجود آن که این نیروها همچنان ضعف هایی داشته و به تکمیل نیاز دارند، با این حال درنود درصد عملیات نظامی شرکت کرده و حدود پنجاه درصد عملیات نظامی را رهبری کرده اند.

در چنین شرایطی اردوی کشور همچنان در زمینه هایی چون پشتیبانی هوایی، جمع آوری اطلاعات، برچیدن موانع در راه ها به شدت به امریکا وابسته بوده و با مشکلاتی از جمله استخدام سربازان و فرار کردن نظامیان در خدمت رو به رو هستند. نیروی زمینی به عنوان نیروی عمده مسلح این کشور به اندازه ای از سلاح های سنگین مجهز هستند، اما همچنان کمبود تانک ها، توپها، راکتها و ماشین های محاروبی یکی از مشکلات آن هاست. تازه ترین گزارش منتشر شده وزارت دفاع امریکا نشان می دهد که تنها یکی از میان بیست و سه جزو نام های کشور توانایی انجام مستقل مأموریت را داراست. این در حالی است که نیروی هوای همچنان در حال بازسازی است و پیش بینی ها نشان می دهد که احداث پایگاه های نیروی هوایی تا سال دو هزار هفده که حتی یک بال طیاره شکاری و بمباردهم ندارد بسیار دور از ذهن به نظر می رسد. بنابراین، نیروهای قوای مسلح به شدت به پشتیبانی امریکا به ویژه پشتیبانی هوایی وابسته است.

جیمزتری معاون فرمانده نیروهای امریکا مستقر در افغانستان در این رابطه اعلام کرد- با توجه به کمبود توانایی نیروی هوایی افغانستان، امریکا باید نیروی زمینی را تقویت و اردوی دولتی را به سلاح های سنگین بیشتری مجهز کند. براساس اطلاعات به دست آمده، وزارت دفاع امریکا به منظور بالا بردن توانایی جنگی نیروی هوایی افغانستان در حال ریزنی با دولت این کشور است تا چرخ بال های نظامی، هواپیمای حمل و نقل و سخت افزارهای دیگر را به افغانستان بفروشد. سخنگوی پنتاگون همچنین از احتمال فروش هواپیماهای بدون سرنشین به افغانستان خبر داده است.

داده های منتشر شده نیروی هوایی امریکا حاکی است که این نیرو در سال دو هزار و دوازده میلادی چهار هزار و نود دو مأموریت انجام داده که در مقایسه با سال قبل میلادی بیست و چهار درصد کاهش یافته است. با این حال، هواپیماهای بدون سرنشین امریکا در همین سال پنجدوشش مأموریت به انجام رسانده اند که این رقم در مقایسه با تعداد مأموریت های آن ها در پاکستان که تنها چهل سه بار بود به مراتب بیشتر بوده است.

فروش هواپیماهای بدون سرنشین به افغانستان از سوی امریکا به معنای آن است که پس از خروج، در آسمان افغانستان پهپادهای امریکایی همچنان دیده خواهد شد. دولت اوپاما درصدد است که پنج میلیارد و هفتصد میلیون دالر برای امور دفاعی افغانستان اختصاص دهد و این طرح تاکنون نهایی نگردیده است. خواسته دولت امریکا این است که اردوی افغانستان حداقل توانایی کافی دفاعی داشته باشد تا نیروهای طالبان بار دیگر بر قدرت کشور تسلط پیدا نکنند.

در آستانه خروج نیروهای خارجی، مقامات نظامی ایالات متحده عمدتاً بر موفقیت در آموزش و مشاوره دهی به نیروی امنیتی مشورتمتکز شده اند؛ نیروهایی که اکنون بخش عمده ای از قلمرو کشور را تحت پوشش امنیتی خود دارند. اما در پشت درهای بسته، مقامات ایالات متحده نگرانی خود را پنهان نمی کنند از این که آیا افغان ها واقعا خواهند توانست پس از خروج نیروهای خارجی از کشور خود محافظت کنند. در واقع، این سوال نه تنها برای ایالات متحده مطرح است، بلکه این دغدغه افغان های عادی نیز است. آیا مسوولین کشور این توانایی و یا تمایل را دارند تا سیستم فراگیر فساد در کشور را تصفیه کنند؟ آیا اردوی افغانستان قادر خواهد بود تا دستاوردهایی را که در جریان یک دهه گذشته به دست آمده، در

برابر مخالفین که حاضر به ترک خشونت نیستند، حفظ کند؟ و در حالی که جامعه بین المللی، هزینه و سرمایه گذاری خود را در کشور کاهش می دهد، آیا افغانستان خواهد توانست تا از خود حفاظت کند و دستکم در شکل کنونی ضعیف آن، آنرا توسعه بخشد؟ برخی از افغان ها انتظار یافتن پاسخ سوال های خود را ندارند.

در سال گذشته، حدود پنجاه هزار یا شمار بیشتری از افغان ها که نگران اند کشور ممکن است بار دیگر در کام جنگ سالاران و تفنگداران همانند اوایل دهه نود فرو رود، تصمیم به فرار از کشور گرفتند. اکثریت قریب به اتفاق این فرار نموده ها به دلیل دشوار و زمانگیر بودن گرفتن ویزه از یک کشور خارجی، از طریق غیرقانونی راه مهاجرت را در پیش گرفتند. بسیاری از کسانی که تصمیم به خروج از کشور می گیرند، از خانه و معیشت خود چشم می پوشند، چه آنکه می دانند که این سفر خطرناک از طریق مرزها به احتمال زیاد یک سفر یک طرفه است.

اگر این نشانه ای از آنچه باشد که آینده آستن خواهد بود، بناء به نظر می رسد که تعداد قابل توجهی از افغان ها احتمالا به این باور ندارند که دولت قادر خواهد بود تا دستاوردهای امنیتی موجود را که به کمک ایالات متحده و ناتو در طول سالهای گذشته حاصل شده، حفظ کنند. با نگاهی به کشور می بینیم که این یک تصور کاملا بی اساس هم نیست.

اردوی ملی، که به سه صد و پنجاه هزار نفر بالغ می شود، از میزان تکان دهنده و باور نکردنی تلفات در برابر شورشیان رنج می برد؛ در حالی که تلاش دارد تا خود مسئولیت کامل امنیتی را از نیروهای خارجی بر عهده گیرد.

با توجه به اطلاعات منتشر شده از سوی وزارت دفاع ایالات متحده، میزان افزایش تلفات نیروهای ملی در نتیجه بمبگذاری ها ی که طالبان همچنان از آن به صورت موثری علیه دولت و نیروهای خارجی استفاده می کنند .

بازرس ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان (SIGAR) می گوید که نیروهای هوایی آمریکا ۱۶ طیاره کمکی به اردو را تبدیل به پارچه های آهن کرده و فروخته اند.

این هواپیماها که به دلیل فرسودگی زمین گیر شده بودند، از جمله ۲۰ طیاره است که به ارزش بیش از ۴۸۶ میلیون دالر آمریکایی توسط آمریکا برای استفاده نیروهای هوایی کشور ما خریداری شده بود که حالا شانزده هواپیمای آن در میدان هوایی کابل به آهن پاره تبدیل شده و چیزی حدود ۳۲ هزار دالر آمریکایی فروخته شده است.

بازرس ویژه آمریکا در دو نامه جداگانه مدارکی را که نشان می دهد این هواپیماها به آهن پاره بدل شده است، در اختیار رسانه ها قرار داده است. جان ساپکو، مسئول اداره بازرسی ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان از فرمانده نیروهای هوایی آمریکا خواسته که در مورد تبدیل این هواپیماها به آهن پاره و فروش آنها توضیح دهد.

ساپکو گفته که مطمئن نیست که قبل از تبدیل کردن این طیاره ها به آهن پاره، راه های دیگر بررسی شده باشد. او همچنین خواسته که سرنوشت چهار فروند هواپیمای باقی مانده نیز روشن شود.

طیاره های کمکی به اردوی افغانستان مدل C-۲۷G-(۲۲۲) ساخت ایتالیا است و ۴ فروند دیگر آن پس از اعتراض دولت افغانستان در مورد کهنگی آن در آلمان نگهداری می شود.

این طیاره ها در یک سال گذشته در فرودگاه کابل نگهداری و برخی از آنها بدون هیچ استفاده ای زمین گیر شده بودند.

این در حالی است که پس از اعتراض دولت اردوی آمریکا نیز اعلام کرده بود که قرارداد خریداری این طیاره ها را پیش از این که چهار طیاره باقی مانده به افغانستان انتقال داده شود، با شرکت ایتالیایی الینا فسخ کرده است .

جریان دیدار با زرس ویژه آمریکا از هواپیماهای کمک شده به افغانستان قبل از تخریب، جنرال عبدالوهاب وردک قوماندان عمومی نیروهای هوایی می‌گوید که انتظار تحویل گیری طیاره های فرسوده و ترمیم شده را نداشت. وردک می‌گوید که با این حال دولت آمریکا چهار فروند طیاره بزرگ ترانسپورتی به اردوی ملی کمک کرده که سه فروند آن در اختیار نیروهای هوایی قرار گرفته است.

هرچند به اساس موافقتنامه امنیتی- دفاعی بین کابل و واشنگتن چیزی کمتر از ده هزار سرباز آمریکایی در افغانستان خواهند ماند اما حالا احیای نیروهای هوایی از اولویت های دولت برای مسئولیت پذیری امنیت کشور است. اردوی ملی تا پایان امسال ۷۰ درصد نیروی هوایی خود را در بخش‌های پیلوتی، استفاده از طیاره های باری و هلیکوپترها خودکفا کند، هرچند نیروهای بین‌المللی می‌خواهد افغانستان را ترک کنند. به اساس موافقتنامه امنیتی-دفاعی بین کابل و واشنگتن چیزی کمتر از ده هزار سرباز آمریکایی در افغانستان خواهند ماند اما حالا احیای نیروهای هوایی از اولویت های دولت افغانستان برای مسئولیت پذیری امنیت کشور است.

اردوی ملی برنامه دارد که تا پایان امسال ۷۰ درصد نیروی هوایی خود را در بخش‌های پیلوتی، استفاده از هواپیماهای باری و هلیکوپترها اگر دوستان خارجی بگذارند و مداخله نکنند خود کفا کند.

شهید دگر جنرال پیلوت مصطفی قهرمان



مصطفی از جمله پیلوتهای فعال و قهرمان زمان خویش بود که با اخذ مدالهای فراوانی از طرف دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان نایل، و لقب قهرمان دومرتبه ای کشور را از آن خود کرد. وی در جنگهای تنظیمی به شهادت رسید. جسد موصوف پس از گذشت شانزده سال از کوه‌های تاله برفک ولایت بغلان کشف و با حضور جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری و مقامات بلند پایه امنیتی در شهدای صالحین کابل به خال سپرده شد.

مصطفی پیلوت، متولد 1333 هـ ش زرغون شهر ولسوالی محمد آغه لوگر بود. تحصیلات ابتدائی را در آنجا سپری کرده بعد شامل مکتب حربی گردید و بعد از ختم تحصیل از مکتب حربی جهت تحصیلات عالی به شوروی سابق فرستاده شد و در رشته پیلوتی تحصیلاتش را بعد از چهار سال به پایان رسانید و عازم وطن شد و در بزرگترین میدان هوایی نظامی

افغانستان یعنی بگرام شروع به وظیفه نمود و در طیارات نوع سو بیست و دو پرواز مینمود و آهسته آهسته به یک پیلوت افسانوی تبدیل گردید که مشاورین روس در همان سال ها از استعداد وی تعجب میکردند.

وی یگانه پیلوت بود که در بیست چهار ساعت ده تا یازده پرواز محاربوی میکرد البته در هر نوع آب و هوا شب و روز آماده پرواز بود. مصطفی قهرمان در ناکامی حمله مخالفین دولت برهبری پاکستان در سال 1369 به جلال آباد نقش قاطع و تعیین کننده داشت وی از میدان هوایی بگرام و مزار شریف روزانه تا ده پرواز محاربوی را انجام میداد. بالاخره وی در این جنگ مورد اصابت راکت دافع هوای پاکستان قرار گرفت طیاره اش سقوط میکند ولی وی توانست توسط پراشوت خود را نجات دهد ولی از ناحیه کمر و پا ضربه شدیدی را متحمل شد.

پس از آن از طرف دولت برایش رتبه جنرالی و لقب قهرمان ملی افغانستان که عالیترین بوده داده شد و مقام قوماندانی طیارات سو بیست و دو نیز به وی سپرده شد. مصطفی قهرمان در ناکامی کودتای شهنواز تنی نیز نقش بسیار مهم داشت که با انجام پرواز های پی در پی میدان هوایی بگرام را فلج ساخت و پیلوتان طرفدار تنی نتوانستند پرواز نمایند. شهنواز تنی و همراهانش در محل قوماندانی بگرام بودند و باهم مشوره کردند و بصورت فوری توسط یک طیاره نوع (ان 12) که قبلاً آماده شده بود بطرف پاکستان فرار کردند.

دولت برای مصطفی قهرمان بار دوم لقب قهرمان ملی را اعطا کرد و بحیث معاون قوماندان عمومی قوای هوایی و مدافعه هوایی مقرر شد. و روابط نزدیک با دکتور نجیب الله پیدا کرد. مصطفی قهرمان زمانی که مجاهدین بگرام را تصرف کردند در بگرام بود و فرار نکرده بود و در هنگامی حرکت احمدشاه مسعود بسمت کابل، قطار وی را از هوا الی رسیدن به کابل همراهی کرد. وی در مدد زیادی در بگرام تحت محافظت افراد مسلح شورای نظار بسر برد. همچنان در میدان هوایی بگرام افراد مسلح (اتحاد) مربوط به سیاف نیز جابجا شده بودند که وظیفه ترور نظامیان با سابقه را داشتند و در صدد بودند تا وسایط بگرام را تخریب نمایند آنها در یک روز در سال 1372 در حالیکه جنگ شدید با حکمتیار در جبهه تگاب ادامه داشت هفت فروند طیارات نوع سو بیست و دو را به آتش کشیدند که ضربه مهلکی بر قدرت دفاعی دولت زدند. بنابراین مصطفی قهرمان به مزار شریف فرستاده شد و از آنجا نیز به نفع دولت پرواز های محاربوی انجام میداد. در سال 1372 که مناسبات نیروی تحت اداره جنرال عبدالرشید دوستم با دولت خراب شد و وی ائتلافی را علیه دولت تشکیل داد مصطفی قهرمان نیز با ایشان پیوست و بحیث قوماندان قوای هوایی و مدافعه هوایی جنبش مقرر گردید. و روزانه چندین پرواز محاربوی از میدان هوایی مزار شریف و شبرغان در ساحت شمالی، پروان، بگرام و کابل انجام میداد.

این بار جنگ مانند قوای دو مملکت بود زیرا قوای هر دو طرف از سلاح های پیشرفته استفاده میکردند. هر دو طرف دارای طیارات جت شکاری، انواع طیارات بمب افکن، طیارات ترانسپورته و میدان های بزرگ و مجهز بودند. در ماه دلو سال 1372 زمانی که وی از پرواز محاربوی کابل برگشته بود طیاره وی در صفحه رادار بگرام دیده شد و قوماندان سوق و ادارات طیارات شکاری بگرام دستور داد تا یک طیاره شکاری به پرواز درآید. در اثر کمک و راهنمایی از مرکز قومانده توسط پیلوت شکاری بگرام یک راکت رهبری شده بالای طیاره ای مصطفی قهرمان فیر گردید که در نتیجه طیاره پیلوت افسانوی کشور در مسافه صد کیلومتری کابل سقوط داده شد و جنرال مصطفی قهرمان، هوا باز دلیر و نامدار افغانستان بشهادت رسید. و نامبرده بنابر صمیمت و دوستی مخلصانه که با جنرال عبدالرشید دوستم داشت و برای اجرای امر موصوف

بارها رشادت و از خود گذری نشان داده جنبش تلاشهای بسیار زیادی برای دریافت مصطفی قهرمان که در آن زمان فکر میشد که ممکن است زنده بوده باشد .

ذریعه نیروی هایی هوایی و زمینی در کوه پایه های برف پوش سالنگها صورت گرفت که باتأسف هیچ نشانه از مصطفی قهرمان بدست نیامد و این رویداد تأثیر نگران کننده به همراهان و فادارش بویژه به جنرال عبدالرشید دوستم گذاشت که هرنشست رسمی و غیر رسمی از رشادت های ماندگار مصطفی قهرمان به همزمان به همزمان ، اعضا و هواداران جنبش یاد آوری میکردند و درصدد آن بودند که روزی جنازه شهید قهرمان بدست آمده و به حرمت و عزت به خاک سپاریده شود تا حداقل مکلفیت دوستی ، انساندوستی و برادری ادا گردیده باشد و بالاخره بعد از شانزده سال جسد شهید مصطفی قهرمان توسط شخصی بنام عبدالمجید چوپان در امتداد کوه های ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان شناسایی گردید و بالاخره هدایت جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری به مرکز کشور انتقال گردیده و طی یک مراسم خاص نظامی در شهدای صالحین کابل به خال سپرده شد. انالله انالیه راجعون